

# جستجوی روش شناسانه در کتاب نقد و بررسی در باب مأخذ تاریخ ایران بعد از اسلام

○ دکتر صالح پرگاری

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

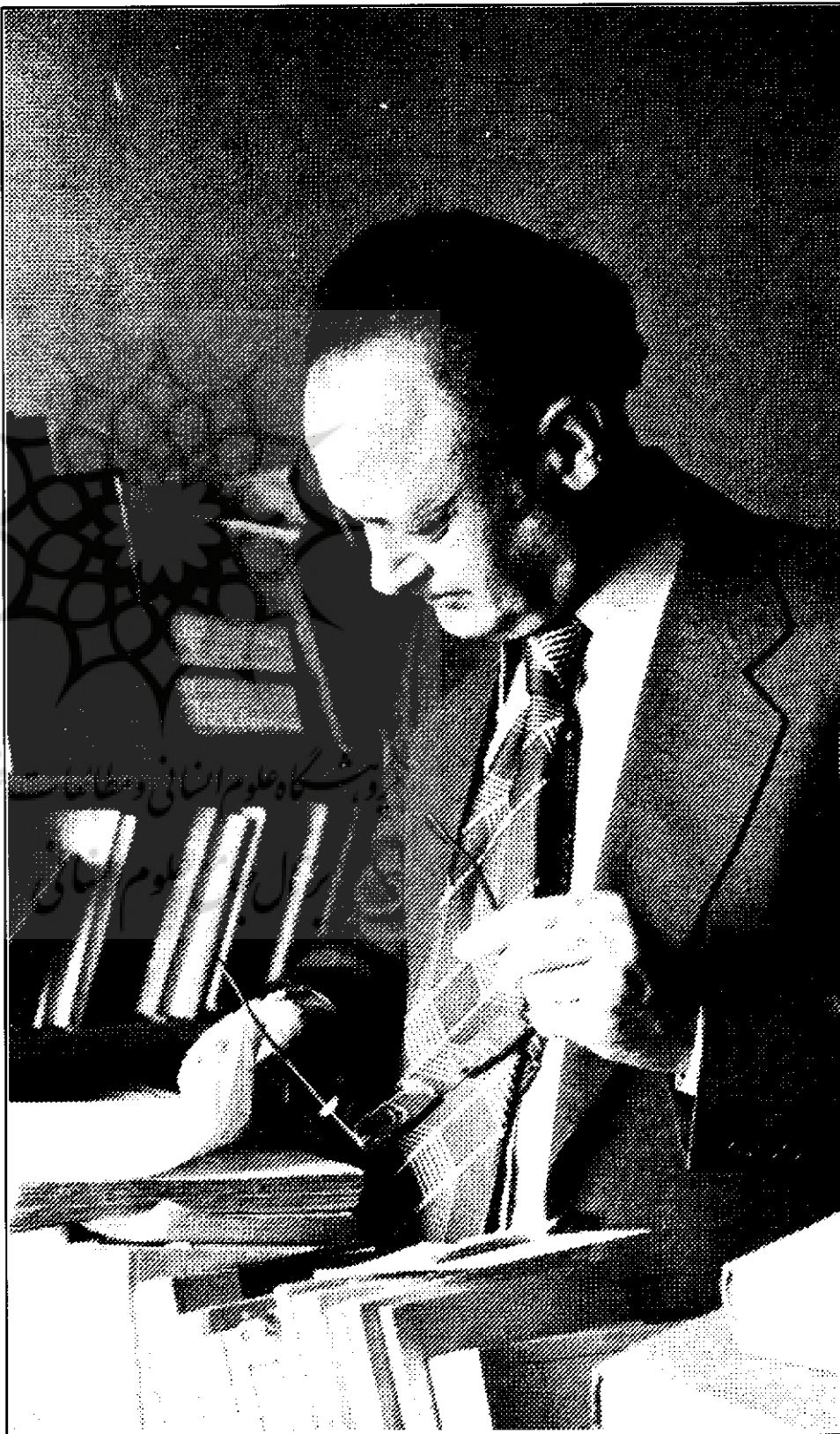
از ملک ادب حکم‌گزاران همه رفتند  
شو بار سفر بند که یاران همه رفتند  
این گرد شتابنده که بر دامن صحراست  
گوید چه نشینی که سواران همه رفتند  
«ملک‌الشعراء بهار»

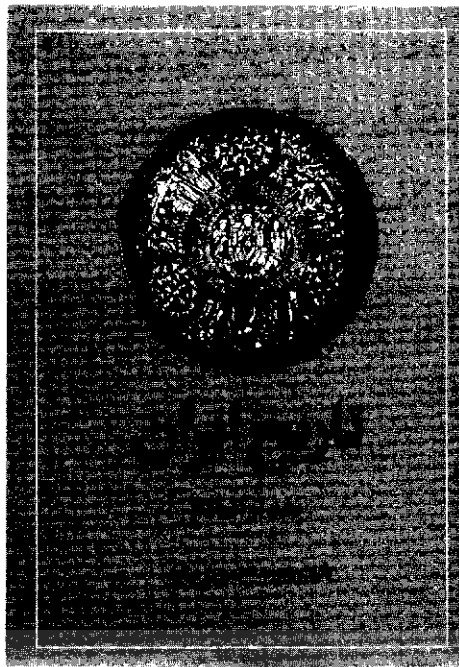
مرحوم دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، با دیدگاه‌های نقادانه جدید، نزد دانشمندان و فضلا شناخته شده است. کتاب نقد ادبی<sup>۱</sup> و کتاب یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، مقاله «مباحث عمومی نقد» و کتاب تاریخ در ترازو به ویژه میحث «نقد و ارزیابی» همچنین کتاب نقد و بررسی در باب مأخذ تاریخ ایران بعد از اسلام اهتمام این دانشمند گرانمایه را به ارزش نقد و بررسی روش‌مند و انتقادی موضوعات تحقیقی نشان می‌دهد.

شادروان عبدالحسین زرین‌کوب، استاد رشته زبان و ادبیات فارسی، به تاریخ علاقه بسیار داشت. ایشان به تاریخ از آن نظر که «بعضی آثار ادبی هست که التناذ واقعی از آن‌ها تا حدی موقوف آشنایی با تاریخ است» نمی‌نگریست. تتبعات وافر و دقیق به روش علمی در زمینه‌های گوناگون تاریخ، نام زرین‌کوب را با تحقیقات تاریخ ایران قرین و جاوید ساخته است. استاد در هریک از آثار تاریخی خود آن چنان به ژرفا می‌گرایید که رأی و نظری صائب در آن موضوع ارائه می‌نمود. بحث‌های علمی و بنیادی ایشان در علم تاریخ و فواید علمی آن در کتاب تاریخ در ترازو<sup>۲</sup> از یک منظر از دلایل علمی علاقه ایشان به این رشته حکایت دارد.

آن چه در تحقیقات این دانشمند در درجه نخست اهمیت قرار داشت، استقراء و بررسی تمام منابع و مأخذ و تحقیقات صورت پذیرفته درباره موضوعات مورد تحقیق بود. دغدغه خاطر ایشان در این زمینه به عنوان روش تحقیق، به گونه‌ای بود که در بخش نخست کتاب تاریخ ایران بعد از اسلام، بحث ممتعی را درباره منابع تاریخ ایران بعد از اسلام طرح نمود. این نکته شایسته یادآوری است که با وجود اشمال کتاب تاریخ ایران بعد از اسلام، بر تاریخ این سرزمین از فرجام ساسانیان تا پایان قرن سوم هجری، لیکن در بخش نخست این کتاب با عنوان «ملاحظات کلی در باب مأخذ» منابع تاریخ ایران بعد از اسلام تا دوره معاصر به بحث گذاشته شده است. این امر نشان‌دهنده اهتمام ویژه استاد به طرح موضوع منبع‌شناسی در تاریخ ایران بود، که تا آن زمان به طور جدی خلاء آن احساس می‌گردید.

چاپ نخست این کتاب در سال ۱۳۴۳ خورشیدی انجام پذیرفت و استاد به دلیل استقبال و تقاضایی که برای این بخش از کتاب وی وجود داشت و همچنین به دلیل اهمیتی که برای آن قائل بود، این بخش را به صورت رساله‌ای جداگانه با عنوان نقد و بررسی در باب مأخذ تاریخ ایران بعد از اسلام به چاپ سپرد که توسط دبیرخانه مرکزی اتحادیه جهانی ایرانشناسان در سال ۱۳۴۶ به چاپ رسید. باید اذعان نمود که اکنون پس از ۴۶ سال، هنوز نوشته‌ای از حیث محتوا بر ذکر مأخذ دوره طولانی تاریخ ایران بعد از اسلام، قابل مقایسه با کار استاد، دیده نشده است. استاد، در این کتاب پس از مقدمه‌ای کلی، منابع تاریخ ایران در عهد اسلام را به گونه‌ای جامع و فراگیر تقسیم‌بندی





می‌کند که یادآوری عناوین آن در این مقاله خالی از فایده نیست. روایات قدیم - تواریخ قرن دوم و سوم - تواریخ عام عربی - تواریخ عام فارسی - تواریخ راجع به سلسله‌ها و امراء - تواریخ محلی - تراجم و معاجم - مأخذ ترکی - از مأخذ غیراسلامی: مغولی، مأخذ چینی، مأخذ سریانی، مأخذ ارمنی، مأخذ گرجی، مأخذ لاتینی و اروپایی - ابنیه و آثار باستانی - اسناد رسمی - یادداشت‌های شخصی - سیرت‌های صوفیه و متون ادبی - منظومه‌های تاریخی - منابع تاریخ اجتماعی - احوال اداری - مأخذ در باب مالیات و خراج - زراعت، تجارت، صنعت - طبقات جامعه اسلامی - احوال خانواده - ادیان و مذاهب - تألیفات اروپایی - تحقیقات علماء عرب - تحقیقات علماء ترک - تحقیقات جدید در ایران. استاد در ذیل هریک از این عناوین، مشخصات و ویژگی این دسته از منابع و سابقه تاریخی پیدایش این نوع از منابع و اهمیت آن‌ها را بیان نموده و منابعی را که به این دسته تعلق می‌گیرند، نام برده است.

مرحوم زرین کوب در این اثر به گونه حیرت‌انگیزی از منابع مشهور تا پاره‌ای از منابع مهجور را با دید نقادانه معرفی نموده است. استاد با شناخت نسبتاً دقیق و عمیق از منابع تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران و با دیدگاه وسیع تاریخ‌نگاری، جنبه‌های مختلف زندگانی انسان‌های گذشته را مورد توجه قرار داده است، به گونه‌ای که حتی موضوعاتی چون احوال خانواده و با احوال بهداشتی زندگانی مردم ایران از نظر وی فرو گذاشته نشده است.

زنده‌یاد زرین کوب افزون بر منابع فارسی و عربی از مأخذ چینی و گرجی گرفته تا منابعی به زبان لاتین نیز سخن رانده است که لازمه آن آشنایی با هفت زبان مختلف است. در ارزش علمی این کتاب باید افزود با وجودی که کتاب درآمده‌ی بر تاریخ اسلام در قرون وسطی، قرون یکم تا هشتم ه. ق / هفتم تا پانزدهم م. را در اختیار داریم، ولیکن حتی در همین مقطع زمانی یعنی تاریخ ایران بعد از اسلام تا قرن هشتم هجری از آگاهی‌های زرین کوب بی‌نیاز نیستیم. ضمن این که باید مجدداً یادآوری کرد که زرین کوب منابع و تحقیقات جدید مربوط به تاریخ ایران را تا دوره معاصر، مورد بحث قرار داده است.

در این کتاب استاد زرین کوب، هریک از منابع تاریخی را با توجه به تقسیم‌بندی فوق‌الذکر از منظر خاصی مورد بررسی و نقد قرار داده است. مقاله حاضر سعی دارد، باتوجه به منظرهای گوناگون استاد به منابع، روش جدید و جامعی که استاد برای شناخت و نقد منابع به طور پراکنده بدان توجه داده است، استخراج نموده به صورت منظم پیش روی خواننده قرار دهد.

**شناخت دقیق از نویسنده منبع:** یک پژوهشگر تاریخ پس از جست و جو و شناسایی تمام منابعی که در موضوع مورد پژوهش خود نگاشته شده است، می‌باید از هر کدام از منابع، شناخت دقیق داشته باشد تا بتواند از آن‌ها به طور شایسته بهره گیرد. برای شناخت و نقد هریک از منابع تاریخی، نخست می‌باید نویسنده منبع را مورد شناسایی قرار داد، البته ممکن

### آن چه در تحقیقات این دانشمند در درجه نخست اهمیت قرار داشت، استقرار و بررسی تمام منابع و مأخذ و تحقیقات صورت پذیرفته درباره موضوعات مورد تحقیق بود

است، اطلاعات دقیق و مسبوطی در این زمینه یافت نشود، ولی تاجایی که مقدر است می‌باید در این زمینه کوشش نمود. کسب آگاهی از محل تولد سال تولد، سال وفات و همچنین بستگان نسبی و سببی نویسنده و شغل وی و آثار دیگر او و سطح علمی یا گرایش‌های فکری و سیاسی نویسنده و حتی استاد و یا اساتید وی و استعدادهای ذاتی او مثلاً در زمینه‌های هنری و یا هوش و دقت و تیزبینی وی و زمان و تاریخی که نویسنده به تألیف اثر خویش اشتغال داشته، لازم به نظر می‌رسد.

شادروان زرین کوب در جای جای کتاب خود به این موارد از آن نظر که بر جنبه‌های مختلف نوشته‌های نویسنده پرتوافکنی می‌کند، حساسیت نشان داده است. مثلاً او احتمال می‌دهد که **ابن مواضع یعقوبی** [نویسنده کتاب **تاریخ یعقوبی و البلدان**] از موالی بود و مذهب شیعه داشته است<sup>۱</sup> و یا این که مثلاً درباره **محمد بن محمد تقی ساروی** نویسنده کتاب‌های **تاریخ محمدی** و **تاریخ فتحعلیشاه قاجار** می‌نویسد که وی شاگرد **میرزا مهدی خان استرآبادی** [مورخ عصر نادرشاه] بوده است.<sup>۲</sup> دکتر زرین کوب باتوجه به گرایش‌های سیاسی نویسندگان منابع تاریخی، درباره سیاحان اروپایی به نتیجه می‌رسد که «البته آن سادگی و کم غرضی که تا حدی در آثار سیاحان و تجار اروپایی عهد صفویه و قبل از آن هست درین کتاب‌ها [یعنی سفرنامه‌های اروپایی در عصر قاجار] نیست و مورخ در استفاده از این مأخذ باید به این نکته توجه خاص داشته باشد.»<sup>۳</sup> مرحوم زرین کوب باتوجه به موارد یاد شده درباره **ابوعلی مسکویه** (متوفی ۴۲۱ هجری) نویسنده کتاب **تاریخی تجارب الامم** که کتاب دیگری نیز در اخلاق نوشته چنین به دوری می‌نشیند: «اهل

حکمت بوده سعی کرده است تاریخ را به منزله درس عبرتی تلقی نماید و حوادث را به دیده اعتبار و انتقاد نگرد. به همین جهت کتاب او از ملاحظات اخلاقی و نکات اجتماعی مشحون شده و به سبب انتساب مؤلف به نژاد ایرانی همه جا علاقه به ایران از صحایف آن لایح است.»<sup>۴</sup>

اعتقادات و گرایش‌های فکری نویسنده نیز ممکن است نوشته او را به سمت و سوی خاص سوق دهد، بدین معنی که نویسنده باتوجه به گرایش‌های فکری خود به جریانات تاریخی و یا شخصیت‌های تاریخی بپردازد. مثلاً **سخنان فضل الله بن روزبهان خنجی** ملقب به امین به جهت خصومت ورزیدن نسبت به شیعیان، درباره ظهور دولت صفویه در کتاب **عالم آرای امینی** از لحن خصومت خالی نیست.<sup>۵</sup>

زرین کوب ضمن بحث راجع به مأخذ ارمنی با استفاده از «مجموعه مورخین ارمنی» که به وسیله **بروسه (Brosset)** به فرانسوی ترجمه شده می‌نویسد: «از مأخذ بدیع که در باب تاریخ سقوط صفویه هست نیز می‌توان تاریخ «**ایسای**» [Esai] یا **اشعیا** ارمنی را ذکر کرد... به موجب قول او در عهد سلطنت شاه سلطان حسین نه فقط خراج و جزیه‌ای را که از ارامنه می‌گرفتند ناگهان چندین برابر کردند بلکه از عشایر و ترکمانان هم مالیات‌های هنگفت تازه مطالبه نمودند. بر حسب روایت وی تمام این مصائب که عبارت از بدعت‌های تازه بود اضافه شد بر تحمیلات قدیم که بر شانه مردم باری سنگین می‌نمود. به علاوه تبدیل و تغییر دائم و مستمر عمال دولت مثل خان و سلطان و وزیر و داروغه و تحویلدار که برخلاف سابق متصل عوض می‌شدند و با تقدیم هدیه و رشوه شغل تازه‌ای گرفته به زور مردم را غارت می‌نمودند و جیب خود را پر می‌کردند. این بار را گران‌تر می‌کرد...»<sup>۶</sup> زنده یاد زرین کوب در ادامه این بحث در فواید استفاده از این گونه منابع می‌نویسد: «بی‌شک اگر کتاب‌هایی از این گونه در سایر نقاط ایران و فی‌المثل به دست یهود و زرتشتی‌ها و مسلمین اهل سنت تألیف یافته بود یا به هر حال در دست می‌بود قطعاً نمونه‌های بسیار دیگر از این گونه مظالم و فجایع که حاصل و نتیجه سوء تدبیر و سوء اداره سال‌های اخیر حکومت صفویه بود، به دست می‌آمد.»<sup>۷</sup>

**انگیزه مؤلف در تألیف کتاب:** شناختن انگیزه مؤلف در تألیف کتاب خویش، خواننده را به این فکر می‌اندازد که احتمالاً انگیزه او در روش و محتوای نوشته دخالت داشته است. انگیزه مؤلف اولویت طرح مسایل را در نزد نویسنده و پیش دوری‌های احتمالی نویسنده را در بیان وقایع تاریخی در نزد مورخ، روشن می‌سازد.

**شیوه کار مؤلف:** استفاده از روایات کتبی و شفاهی و اسناد و مأخذ دیگر، توجه و یا عدم توجه به جغرافیای وقوع حوادث تاریخی و یا اوضاع اجتماعی به عنوان یکی از زمینه‌های وقوع حوادث، دقت یا عدم دقت در ضبط و ثبت تقویم حوادث (سال و ماه و روز وقوع حوادث) و بیان حوادث همراه با تحلیل و تبیین آن‌ها و یا بدون تحلیل و علت یابی وقوع حوادث و یا این که نوع فصل‌بندی کتاب از نظر این که به صورت موضوعی

از آن جایی که مطالب بخش نخستین کتاب تاریخ ایران بعد از اسلام با عنوان «ملاحظات کلی در باب مأخذ» در مقایسه با حجم و گستره مباحث کتاب بیش از حد انتظار است، به نظر می‌رسد که استاد طرحی وسیع برای پدید آوردن اثری در «نقد تاریخی» نظیر آن چه در کتاب نقد ادبی قابل ملاحظه است، در سر می‌پروراند است



**زنده‌یاد زرین کوب افزون بر منابع فارسی و عربی، از مأخذ چینی و گرجی گرفته تا منابعی به زبان لاتین نیز سخن رانده است که لازمه آن آشنایی با هفت زبان مختلف است**



**توجه ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (متوفی ۳۴۵ هجری قمری) به جغرافیای حوادث آثار وی را از نظر علمی و بر خور داری از روشی جدید نسبت به گذشتگان خود، اعتبار و امتیاز بخشیده است**

شناخت منبع نیز یاری‌گر است. در برگردان یک اثر احتمال عدم دقت و یا تغییر و تحریف و اضافه و کم نمودن برخی مطالب، بعید نیست. چنان که در مورد تاریخ یمنی نوشته ابونصر عینی که توسط ابوالشرف جرفاذقانی در سال ۶۰۲ هجری به فارسی برگردانده شده است، زرین کوب می‌نویسد: «بر حسب قضاوت ریو (Rieu) چنان ترجمه دقیقی نیست.»<sup>۱۸</sup> وی در مواردی که منابع تاریخ ایران از زبان اصلی آن به زبان‌های دیگر برگردانده شده باشند خواننده اثر خود را مطلع می‌سازد. از جمله در مورد همین کتاب تاریخ یمنی پس از بیان ترجمه آن توسط ابوالشرف جرفاذقانی اشاره می‌نماید که «یک دو ترجمه دیگر نیز، از کتاب یمنی به فارسی در هند به عمل آمده است که اهمیت وارزش کتاب جرفاذقانی را ندارد ولیکن برای تصحیح آن خالی از فواید نیست.»<sup>۱۹</sup> زرین کوب در ادامه مطالب خود، برگردان انگلیسی ترجمه جرفاذقانی از این کتاب را نیز یادآوری می‌کند. زرین کوب در مورد کتاب *راحة الصدور* می‌نویسد این کتاب «در زمان سلطان مراد ثانی پادشاه عثمانی به زبان ترکی هم ترجمه شده است.»<sup>۲۰</sup> او درباره کتاب *سیرت جلال‌الدین مینکبری* نیز به همین شیوه بیان می‌دارد که این کتاب در اصل به زبان عربی نوشته شده است و سپس ترجمه‌هایی که به زبان فارسی از آن صورت پذیرفته، معرفی می‌کند، آن گاه به ترجمه آن کتاب به زبان فرانسوی اشاره می‌نماید.<sup>۲۱</sup>

نثر کتاب از حیث صناعت ادبی و ساده و روان و یا مغلوط و پیچیده بودن آن نیز مورد توجه زرین کوب بوده است. مثلاً وقتی او به نثر کتاب‌های یاد شده اشاره می‌کند از این منظر نیز درباره نثر آن‌ها به زبان‌های عربی و فارسی به قضاوت می‌نشیند

و یا سنوانی (سالنامه‌نگاری) نگاشته شده است و یا این که در نقل جزئیات حوادث دقت لازم به کار رفته و یا این که به کلیات بسنده شده است، روش نویسنده درباره این موضوعات به هر صورت که باشد، پژوهشگران را در شناخت و نقد مطالب اثر یاری می‌رساند، ضمن این که خوانندگان را از این نظر که آن اثر در چه جنبه‌ای می‌تواند برای تحقیقات تاریخی سودمند بیفتد، مطلع می‌سازد.

به عنوان مثال توجه **ابوالحسن علی بن حسین مسعودی** (متوفی ۳۴۵ هجری) به جغرافیای حوادث، آثار وی را از نظر علمی و بر خور داری از روشی جدید نسبت به گذشتگان خود، اعتبار و امتیاز بخشیده است، مثلاً **ابوالفضل بیهقی** در تاریخ **بیهقی** با نقل سال و ماه و روز حوادث و حتی در موارد زیادی ایام هفته و اوقاتی از روز<sup>۱۵</sup>، توجه خواننده را به حساسیت وی در نقل درست و دقیق حوادث جلب می‌نماید.

**تصور مؤلف از تاریخ:** نیز برای پژوهشگر تاریخ حائز اهمیت است. کاملاً بدیهی است که پژوهشگر تاریخ به نوشته مؤلفی که تاریخ را نوعی سرگرمی می‌داند و فایده‌ای برای آن متصور نیست، نمی‌تواند چندان اعتنایی داشته باشد. اکثر مورخان به تاریخ با دیده عبرت نگریسته‌اند و طبیعتاً در آن‌ها یک نوع رویکرد به نقل رویدادهای پندآموز، مشاهده می‌شود. پر پیناست که برای مورخی چون طبری که تاریخ را تحقق مشیت الهی می‌داند و دیگر برای کنکاش عقلی و استنباط ذهنی در تحلیل حوادث جایی باقی نمی‌گذارد.<sup>۱۶</sup> چگونه مطالعه و بررسی تاریخ می‌تواند در زندگانی انسان‌ها مؤثر باشد و در نتیجه دیدگاه او در نوشته‌های تاریخی‌اش از حیث این که تا چه اندازه می‌تواند جنبه کاربردی داشته باشد تأثیر می‌گذارد.

در همین زمینه تصور مؤلف از جامعه و تقسیم‌بندی جامعه به قشرهای مختلف، مسائلی اجتماعی جلب می‌کند و در عین حال ممکن است برتری دادن قشری از جامعه بر قشر دیگر را در نوشته‌های مؤلف بیابد. این امر احتمالاً نویسنده را به تفصیل بیشتر از یک قشر خاص سوق می‌دهد. به هر حال به این نکته باید توجه نمود که حتی آن دسته از آثاری که مؤلفان آن‌ها دیدگاه نسبتاً جدی نسبت به تاریخ نداشتند و یا تاریخ و مطالعه آن رانوعی سرگرمی تلقی می‌کردند و فایده‌ای برای آن بجز سرگرمی و خوش آمد طبع قشری خاص از جامعه قائل نبودند، از نظر زرین کوب خالی از فایده دانسته نشده است.<sup>۱۷</sup>

نثر کتاب: نثر کتاب را از ابعاد مختلف می‌توان مورد بحث قرار داد. نخست از حیث زبان. این که منبع و سند تاریخی به زبان فارسی یا عربی و یا ارمنی و گرجی و چینی و لاتین و... نوشته شده باشد، از نظر استاد زرین کوب قابل ملاحظه و تأمل است. در درجه اول به این دلیل که مورخ و محقق می‌باید همه اسناد و مأخذ موجود درباره موضوع مورد تحقیق خود را بررسی نماید و سپس به این جهت که توجه به دیدگاه‌های متفاوت درباره حوادث و رویدادهای تاریخی می‌تواند به موضوع مورد تحقیق شفافیت بیشتری ببخشد.

توجه به برگردان نثر کتاب از زبانی به زبان دیگر در

و یا این که مثلاً درباره نثر کتاب **تاریخ جهان گشای جوینی** می‌نویسد: «سبک انشاء کتاب متکلف و مشحون از لغات نادر و صنایع بدیعی و مملو از اشعار و امثال عربی و فارسی است»<sup>۲۲</sup> و یا درباره نثر کتاب **تاریخ و صاف** می‌نویسد: «به اسلوبی بسیار متکلفانه نوشته است و بسا که اگر لازم دیده است شاید ذکر نکته‌ی تاریخی را فدای صنعتی لفظی یا معنوی کرده باشد.»<sup>۲۳</sup> و یا این که درباره نثر کتاب **عالم آرای امینی** می‌نویسد که: «کتاب به اسلوب منشیانه و با عبارات مشحون از نوادر الفاظ و صنایع نگارش یافته و گذشته از جهات دیگر همین امر نیز خود از اسباب عدم شهرت و رواج آن گشته است... ترجمه‌ی تلخیص‌گونه از مندرجات کتاب بوسیله پروفیسور مینورسکی به زبان انگلیسی انتشار یافته است که استفاده از مطالب و مندرجات آن را آسان می‌کند.»<sup>۲۴</sup>

از این گونه داوری‌ها درباره نثر متون تاریخی و حتی تحقیقات جدید در جای جای بررسی زرین کوب به چشم می‌خورد. وی درباره تحقیقات جدید تنها به کتاب‌های ترجمه شده به زبان فارسی بسنده نکرده است. برای مثال او از کتاب **امپراطوری صحرائوردان**<sup>۲۵</sup> پیش از آن که به زبان فارسی ترجمه شود با عنوان **امپراطوری اسپن‌ها** یاد کرده و درباره نثر آن به زبان فرانسوی می‌نویسد: «خصوصاً لطف بیان و فصاحت کلام آن قابل توجه است.»<sup>۲۶</sup>

**تصحیح و چاپ کتاب:** تا قبل از رواج صنعت چاپ در ایران، استنساخ کتاب تنها وسیله تکثیر کتاب بود. در شیوه استنساخ هر چند هم که دقت زیادی به کار گرفته می‌شد، ولی معمولاً اشتباهات زیادی بویژه در ضبط و ثبت اعلام صورت می‌پذیرفت و پارامی از عبارات به علت ناخوانا بودن و یا غفلت نسخه‌نویس نگاشته نمی‌شد. به همین دلیل برای چاپ کتاب‌ها می‌باید با استفاده از تمام نسخه‌های موجود از کتاب مورد نظر و تطبیق کلمه به کلمه آن‌ها با یکدیگر به تصحیح اثر مبادرت ورزید. لیکن این امر به لحاظ دشواری آن و نیاز به اطلاعات و آگاهی‌های لازم علمی اکثراً به شیوه علمی مطلوب صورت نمی‌پذیرد و متأسفانه شمار اندکی از منابع تاریخی چاپ شده از این حیث قابل اعتماد می‌باشند. زرین کوب ضمن بحث راجع به هر یک از منابع، به ضرورت، خوانندگان اثر خود را به این ظرافت علمی در چاپ آن منبع متوجه می‌سازد و در صورتی که از کتاب مورد بحث چاپ دقیقی انجام نگرفته باشد، آن را خاطر نشان می‌کند. مثلاً او درباره چاپ کتاب **تاریخ گیلان و دیلمستان** می‌نویسد: «سیدظهرالدین مرعشی کتابی هم به عنوان تاریخ گیلان و دیلمستان دارد که متضمن تاریخ سادات کبابی گیلان است و از آن چایی غیرانتقادی بدون مقدمه و فهرست با نام داینو در رشت انتشار یافته است.»<sup>۲۷</sup>

**بررسی محتوایی همراه با مقایسه با منابع دیگر:** زرین کوب ضمن تقسیم‌بندی موضوعی منابع تاریخی که پیش از این از آن یاد شد، به بررسی محتوایی هر منبع و جهات اهمیت آن نیز می‌پردازد و در عین حال سعی می‌کند که آن را با منابع دیگری که از نظر موضوعی مشترک هستند، مقایسه نماید. مثلاً او

## قد بر سر دیاب آینه تاریخ ایران بعد از اسلام

از

دکتر عبدالحسین زرین کوب

از انتشارات

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

نیمه قرن اول

مهر ۱۳۹۱

### مرحوم زرین کوب در این اثر به گونه حیرت‌انگیزی از منابع مشهور تا پاره‌ای از منابع مهجور را با دید نقادانه معرفی نموده است

از

دکتر

زرین کوب

از

دکتر

زرین کوب

از

دکتر

زرین کوب

از

دکتر

زرین کوب

از

دکتر

زرین کوب

از

دکتر

زرین کوب

از

دکتر

زرین کوب

از

دکتر

زرین کوب

از

دکتر

زرین کوب

از

دکتر

زرین کوب

از

دکتر

زرین کوب

از

دکتر

زرین کوب

درباره کتاب شرح حال عباس میرزا ملک‌آرا که آن را در فهرست «یادداشت‌های شخصی» قرار داده چنین می‌نویسد: «این کتاب در واقع تاریخچه زندگی این شاهزاده معروف قاجار و بیان شمه‌ای از اوضاع عصر ناصری است. مؤلف برادر ناصرالدین شاه بوده و به سبب حسد و نفرتی که شاه و مادرش در حق وی داشته‌اند در قسمت عمده‌ی از سلطنت ناصرالدین شاه وی به حال تبعید و حبس نظر و غالباً در فقر و فاقه و ترس و ناامنی می‌زیسته است. عباس میرزا ملک‌آرا درین رساله با بیانی انتقادآمیز حوادث عصر سلطنت برادر را شرح داده و این کتاب برای فهم جنبه‌های ضعیف سلطنت ناصرالدین شاه و ناراضی‌ها و آشفتگی‌های امور در آن زمان ماخذی مهم است.»<sup>۲۸</sup>

و یا این که ضمن عنوان «سیرت‌های صوفیه، متون ادبی» می‌نویسد: «این گونه کتاب‌ها در فهم احوال عامه بسیار مفیدند... اوضاع و احوال اجتماعی و طرز زندگی و آداب و رسوم رایج در بین مردم را گاه به مراتب روشنتر و گویاتر از آنچه در کتاب‌های تاریخ آمده است بیان می‌دارد. ازین رو مراجعه به این کتاب‌ها برای مورخ ضرورت بسیار دارد. به علاوه در این کتاب‌ها غالباً در باب عادات و آداب افراد و طبقات مختلف سخن می‌رود و حکایات و روایات اهل هر پیشه و هر طبقه ذکر می‌شود و ازین جهت این ماخذ در واقع غنی‌ترین و وسیع‌ترین منابع معلومات هر مورخ خواهد بود. اما شرطش آن است که با احتیاط تمام و با کسب یقین از صحت و اتقان مطالب و بعد از مقابله و مطابقت معلومات حاصل از آن‌ها با شواهد و مدارک مسلم تاریخی از آن کتاب‌ها استفاده کند تا مایه گمراهی و خطا نشود.»<sup>۲۹</sup>

زرین کوب ذیل عنوان «تواریخ راجع به سلسله‌ها و امراء» درباره کتاب *راحة الصدور و آية السرور* تألیف نجم‌الدین ابوبکر محمدبن علی بن سلیمان الراوندی چنین به داوری می‌نشیند: او کتاب خود «را به سلطان غیاث‌الدین کبک‌خسرو از سلاجقه روم اهداء کرده است و برای جلب عنایت سلطان همه‌جا در پایان هر فصل به دعاء دولت ممنوع پرداخته و محامد اسلاف او را به شرح بازگفته است. این شیوه تاریخ‌نویسی البته چندان جایی برای اعتماد خواننده باقی نمی‌گذارد و بسا که اندیشه چالپوسی و خوشامدگویی، مورخ را از راست‌گویی منحرف ساخته باشد. کتاب *راحة‌الصدور* غالباً موجز و مجمل است و چندان فایده مهمی را متضمن نیست خاصه که با اسلوبی منشیانه مشحون به آیات قرآنی و امثال و اشعار عربی و فارسی تألیف شده است ولیکن چون مخصوصاً حوادث راجع به اواخر عهد سلاجقه را به تفصیلی بیشتر متضمن است در باب دوره اخیر سلاجقه ماخذی نسبتاً مفید است.»<sup>۳۰</sup>

زرین کوب ذیل عنوان یاد شده درباره علت اهمیت کتاب *سلجوقنامه ظهیری* تألیف ظهیرالدین نیشابوری می‌نویسد: «خود استاد دو تن از شاهزادگان سلجوقی و از درباریان نام‌آور سلجوقیان بوده است و غالب حوادث را دیده و یا از ثقاة شنیده بوده است و کتاب او به سبب همین ارزش و مزیتی که داشته ماخذ ناهلیفات دیگر در باب سلاجقه نیز واقع شده است.»<sup>۳۱</sup> او

دیگر نقیدی به صحت مطالب و نقد روایات نداشته است و چون هرچه خواننده و شنیده نقل کرده است کتابش مشتمل بر قصه‌های باطل و حاوی اغلاط و اشتباهات تاریخی شده است و او از ساده‌دلی گناه این اغلاط و اشتباهات را به گردن ماخذ خویش انداخته است.»<sup>۳۲</sup>

زرین کوب ضمن بحث درباره «تواریخ محلی» در معرفی محتوا و اهمیت کتاب *سمط العلی للحضرة العلیا* که ناصرالدین منشی کرمانی در اوایل قرن هشتم هجری آن را نگاشته می‌نویسد: «گذشته از اجمال مفیدی در تاریخ حکام و امراء کرمان به ذکر تاریخ قراختائیان کرمان هم پرداخته است و کتاب او از این حیث از ماخذ معتبر است.» و سپس در ادامه آن را با کتاب *عقدالعلی للموقف الاعلی* تألیف ابوحامد افضل کرمانی مقایسه می‌کند: «عنوان و اسلوب کتاب یادآور عقدالعلی للموقف الاعلی است»<sup>۳۳</sup> و درباره ارزش محتوایی کتاب *تاریخ سلجوقیان کرمان* تألیف محمدبن ابراهیم و مقایسه آن با کتاب‌های پیش از آن می‌نویسد: «تلخیص و تقلیدی است از کتب سابقین درین باب»<sup>۳۴</sup>

**سرا انجام سخن:** با مقدمه‌ای که در ابتدای این مقاله آورده شد، می‌توان استاد عبدالحسین زرین کوب را - اگر نه نخستین لیکن - از جمله نخستین اساتیدی برشمرد که نقد و نقادی در متون ادبی را به صورت موضوعی ویژه در جامعه علمی مطرح نمود. وی در کتاب *نقد ادبی* به جست و جو در اصول و روش‌ها و مباحث نقادی با بررسی در تاریخ نقد و نقادان پرداخته است. این کتاب در دو جلد و بیش از نهصد صفحه در سال ۱۳۳۸ برای نخستین بار به چاپ رسید. استاد پس از اتمام این اثر کتاب *تاریخ ایران بعد از اسلام* را تألیف نمود. روحیه علمی وی را می‌توان شجاعانه توصیف کرد. او ضمن این که برخی از جریان‌های ملی‌گرای افراطی را به یاد انتقاد می‌گیرد این جسارت را هم دارد که از انتقاد نسبت به خود در این زمینه روی نگرداند: «درباره داستان مهاجرت زرتشتیان ایران به هند رساله *ابراهیم پورداود* خالی از فایده نیست. عنوان این رساله *ایران‌شاه* است و آکنده است از شور حماسی و حس ملت‌پرستی. همین لحن تا حدی در کتاب *مازیار مجتبی مینوی* و بیشتر در طی مقالات دکتر ذبیح‌الله صفا راجع به رؤساء نهضت‌های ضدعرب و هم در مقاله و کتاب *سعید نفیسی* راجع به بابک خرم‌دین و در رساله *عبدالله بن مقفع* تألیف عباس اقبال و در کتاب دو قرن سکوت اثر نویسنده این سطور نیز در تجلی است. در همه این آثار لحنی نامساعد و آمیخته به نیش و طعنه در حق اعراب به کار رفته است که البته شایسته بیان مورخ نیست.»<sup>۳۵</sup>

از آن جایی که مطالب بخش نخست کتاب *تاریخ ایران بعد از اسلام* با عنوان «ملاحظات کلی در باب ماخذ» در مقایسه با حجم و گستره مباحث کتاب بیش از حد انتظار است، به نظر می‌رسد که استاد طرحی وسیع برای پدید آوردن اثری در «نقد تاریخی» نظیر آن چه در کتاب *نقد ادبی* قابل ملاحظه است، در سر می‌پروراند است، ولیکن شرایط زمانی و امکانات برای بررسی منابع تاریخی در آن زمان بسیار دشوار بود. برای پدید آوردن کتابی در «نقد تاریخی» منابع تاریخی بسیاری می‌باید در

به همین شیوه درباره کتاب *ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی* می‌نویسد: «این کتاب را به دعوت و تشویق ابراهیم سلطان‌بن میرزا شاهرخ تیموری [حاکم فارس] در ۸۲۸ هجری و تا حدی بر اساس مسموعات و اطلاعات آن شاهزاده نوشته و علاوه بر آن به قول دولتشاه [سمرقندی] در جمع و تدوین آن از تاریخی هم که «بخشیان و روزنامه‌چیان در روزگار امیر بزرگ ضبط نموده بودند و از خزاین سلاطین و از بعضی مردمان عدل و معمر» استفاده کرده و به *ظفرنامه شامی* هم نظر داشته است... البته چنان که درخور مورخی درباری است با لحنی مشحون از تملق و تعصب سخن گفته و «کلمات مکارم آیات» آن جبار قهار را «مظهر لطف نامتناهی» خوانده و «هکون ضمیر مستنیر» او را «محض خیر و نیکخواهی» شمرده است و آن مایه خونریزی‌ها و ستمکاری‌های او را که موجب نفرت طبع انسانی است با اعجاب و تحسین تمام ستوده است این کتاب... بعدها ماخذ و مرجع عمده غالب مورخان واقع شده است که بعد از شرف‌الدین خواسته‌اند تاریخ این جهانگشای خونریز تاتار را نقل کنند و تأثیر داوری‌ها و زبان‌آوری‌های او در آثار مورخین بعد غالباً آشکارست.»<sup>۳۶</sup>

زرین کوب ذیل عنوان «ماخذ ارمنی» کتاب *تاریخ زکریای شماس* را که در باب تاریخ عهد صفویه است از نظر محتوایی بی‌اعتبار و غیرقابل اعتماد دانسته است ولی در عین حال آن را سودمند توصیف می‌کند: «تمایل زیادی به نقل قصص و افسانه‌های عجیب نشان داده است با این همه درین کتاب اطلاعات سودمند راجع به آن دوره از تاریخ به دست می‌آید. وی چنان که خود تصریح کرده است در نقل مندرجات کتب

## ابوالفضل بیهقی در تاریخ بیهقی، با نقل سال و ماه و روز حوادث و حتی در موارد زیادی ایام هفته و اوقاتی از روز، توجه خواننده را به حساسیت وی در نقل درست و دقیق حوادث جلب می نماید

۳۳

## زرین کوب ضمن تقسیم بندی موضوعی منابع تاریخی به بررسی محتوایی هر منبع و جهات اهمیت آن نیز می پردازد و در عین حال سعی می کند که آن را با منابع دیگری که از نظر موضوعی مشترک هستند، مقایسه نماید

۳۴

## زرین کوب در صورتی که از کتاب مورد بحث چاپ دقیقی انجام نگرفته باشد، آن را خاطر نشان می کند

۳۵

## می توان استاد عبدالحسین زرین کوب را - اگر نه نخستین، لیکن - از جمله نخستین اساتیدی بر شمرد که نقد و نقادی در متون ادبی را به صورت موضوعی ویژه در جامعه علمی مطرح نمود

۳۶

جامع در این موضوع می باید تاسیس پژوهشکده تاریخ را انتظار کشید تا محققان رشته تاریخ آشنا به زبان های مختلف و رشته های گوناگون علمی با همکاری و همکاری یکدیگر این مهم و همچنین خلاء های دیگر در تحقیقات تاریخی را به انجام برسانند.

### پی نوشت ها:

۱- این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۳۸ خورشیدی در دو جلد به چاپ رسید.

۲- زرین کوبه عبدالحسین: یادداشت ها و اندیشه ها، چاپ دوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات جوبیان، ۱۳۵۵، صص ۳ تا ۴۴.

۳- زرین کوبه عبدالحسین: تاریخ در ترازو، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۴، صص ۱۳۸ تا ۱۶۷.

۴- همان، ص ۲۵.

۵- همان، صص ۲۶ تا ۲۹.

۶- زرین کوب، عبدالحسین: تاریخ ایران بعد از اسلام، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲، صص ۱۹ تا ۱۵۴.

۷- کاهن، کلود: درآمدی بر تاریخ اسلام در قرون وسطی قرون یکم تا هشتم هـ. ق / هفتم تا پانزدهم م.، ترجمه اسدالله علوی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۰.

۸- زرین کوب، عبدالحسین: نقد و بررسی در باب مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام، [بی جا] دبیر خانه مرکزی انجمن علمی ایرانیان، ۱۳۳۶، ص ۴.

۹- همان، ص ۲۱.

۱۰- همان، ص ۴۹.

۱۱- همان، ص ۶.

۱۲- همان، ص ۱۹.

دسترس باشد و این امر هنوز در آن زمان محقق نشده بود. استاد زرین کوب در نگارش کتاب نقد و بررسی در باب مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام، اساس کار خود را عمدتاً بر روی کتاب های چاپی قرار داده بود ولیکن اجتناب از نقص کلی پارهای از مباحث، مستلزم مراجعه به نسخه های خطی آنها بود. برای مثال استاد ضمن بحث در «تاریخ محلی» کتاب اعیان الملوک را هم معرفی نموده است، در صورتی که نخستین بار این کتاب در سال ۱۳۴۴ یعنی یک سال پس از چاپ نخست تاریخ ایران بعد از اسلام با تصحیح منوچهر ستوده به چاپ رسید. عدم دست یابی به برخی منابع موجب گردیده که مرحوم زرین کوب گاهی به خطا رود. مثلاً او تالیف کتاب تاریخ رویان را در قرن هفتم هجری دانسته است.<sup>۳۷</sup> در صورتی که هم اکنون با جایی که منوچهر ستوده از این کتاب ارائه کرده است، آشکار گردیده که این کتاب در نیمه دوم قرن هشتم هجری (سال ۷۶۴ هجری) نوشته شده است.<sup>۳۸</sup> زرین کوب تاریخ خانی را متمم و تکمله تاریخ طبرستان و رویان و مازندران دانسته است،<sup>۳۹</sup> در صورتی که با نگاهی به این دو کتاب به خوبی می توان دریافت که مطالب کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران بیشتر درباره تاریخ نواحی مرکزی و شرقی طبرستان است و تاریخ خانی درباره نواحی غربی طبرستان (گیلان). یعنی این که این دو کتاب از نظر موضوعی با یکدیگر تفاوت دارند. آن چه زرین کوب مدعی شده است بیشتر درباره تالیف دیگر سید ظهیرالدین مرعشی یعنی کتاب تاریخ گیلان و دیلمستان صلق می کند. زرین کوب از کتاب تاریخ طبرستان ابن اسفندیار به عنوان یکی از منابع سید ظهیرالدین مرعشی در تالیف کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران یاد کرده است.<sup>۴۰</sup> در صورتی که سید ظهیرالدین مرعشی این کتاب را از منابع خود ندانسته است که بحث راجع به آن در این مجال نمی گنجد.

پاره ای از نظرات زرین کوب توسط برخی از محققین مورد تردید قرار گرفته است. از جمله نظر وی درباره ترجمه جرفاذقانی از تاریخ یمینی که معتقد است «آن ترجمه از بدایع نثر متکلف و مصنوع فارسی است»<sup>۴۱</sup> ولی مصحح این اثر، جعفر شعاع چنین نظری را که ظاهراً اشتهار داشته است مردود می داند.<sup>۴۲</sup>

زرین کوب به پیروی از ادوارد براون درباره کتاب عجائب المقدور فی نوائب تیمور می نویسد که این عربشاه «مؤلف آن به سبب آن که از تیمور ناخرسند بوده و با مخالفان او پیوند داشته است در کتاب خود با لحنی پر از خشم و اعتراض بر صادرات افعال آن جهانگشای قهار نکته گیری کرده و بشدت تمام او را انتقاد نموده است.»<sup>۴۳</sup> حال آن که این داوری از سوی برخی مردود دانسته شده است.<sup>۴۴</sup>

به هر صورت با وجودی که آگاهی ها و روش علمی استاد زرین کوب را به هنگام تالیف این اثر می توان به روز تلقی کرد، برای پژوهشگر تاریخی امروز این اثر وافی به مقصود نیست، ولیکن به هر حال کوشش استاد در این اثر شایسته تقدیر است و همین کار مجمل و اظهار نظرهای کوتاه از سوی وی را باید غنیمت شمرد. به یقین باید ادعای نمود که برای پدید آمدن اثری

۱۳- همان، صص ۳۲-۳۳.

۱۴- همان، ص ۳۳: از آن جایی که استناد مورد به مورد ادعاهای مربوط به روش نقد و بررسی منابع تفصیل زیادی را می طلبد از این پس فقط برای پاره ای از موارد، شاهد مثال آورده می شود.

۱۵- ر. ک. به عنوان مثال: ابوالفضل بیهقی: تاریخ بیهقی، به اهتمام غنی و فیاض، چاپ سوم، [بی جا] انتشارات خواجه، ۱۳۶۲، صص ۲۶۰ و ۲۶۱.

۱۶- آیینه وند، صادق: «مکتب تاریخ نگاری طبری»، یادنامه طبری، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹، صص ۳۳۷-۳۴۸.

۱۷- نقد و بررسی در باب مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام، پیشین، صص ۳۱ و ۳۲.

۱۸- همان، ص ۱۵.

۱۹- همان، همانجا.

۲۰- همان، ص ۱۶.

۲۱- همان، ص ۱۶.

۲۲- همان، ص ۱۷.

۲۳- همان، همانجا.

۲۴- همان، ص ۲۱.

۲۵- این کتاب با عنوان L'EMPIRE DES STEPPES

توسط عبدالحسین میکنه به زبان فارسی برگردانده شده و برای نخستین بار در سال ۱۳۵۳ خورشیدی با عنوان امپراطوری صحرائوردان توسط انتشارات علمی و فرهنگی به چاپ رسید.

۲۶- نقد و بررسی در باب مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام، پیشین، ص ۳۶.

۲۷- همان، ص ۲۵: البته شایان ذکر است که چاپ دیگری از این اثر توسط آقای منوچهر ستوده انجام گرفته است که در سال ۱۳۴۷ برای نخستین بار مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی آن را به چاپ رساند.

۲۸- همان، ص ۵۲.

۲۹- همان، ص ۵۳.

۳۰- همان، صص ۱۵-۱۶.

۳۱- همان، ص ۱۶.

۳۲- همان، ص ۱۸.

۳۳- همان، صص ۳۱-۳۲.

۳۴- همان، ص ۲۳.

۳۵- همان، همانجا.

۳۶- همان، ص ۳۶.

۳۷- همان، ص ۲۵.

۳۸- املی، اولیاالله: تاریخ رویان، تصحیح منوچهر ستوده، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۳۸، ص هیچده.

۳۹- ر. ک. نقد و بررسی در باب مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام، پیشین، ص ۲۵.

۴۰- همان، همانجا.

۴۱- جرفاذقانی، ابوالشرف: ترجمه تاریخ یمینی، به اهتمام جعفر شعاع، چاپ دوم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۷، ص ۱۳.

۴۲- نقد و بررسی در باب مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام، پیشین، ص ۱۸.

۴۳- شایسته فریدون: «سخنی چند درباره کتاب عجائب المقدور فی نوائب تیمور»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیه، سال سوم، شماره چهارم، بهمن ۱۳۷۸، شماره ۲۸، ص ۲۵.